

نقض اقتصاد  
را در دست بگیرید

# چارسوق

۲۲

FATF: حزب الله لبنان و نیروی قدس سپاه تروریست و قاچاقچی هستند اما دولت اسرائیل ضد تروریسم است

## FATF ابزار نتانیا هو علیه ایران

هادی خانی، معاون وزیر اقتصاد که پیگیر اصلی تحمیل مطالبات FATF به کشورمان است، نسبت به گزارش جدید این نهاد غربی مبنی بر تروریستی بودن نیروی قدس سپاه هم تلاش کرد آن را توجیه کند؛ گویا وی به جای آن که حافظ منافع ایران باشد، سخنگوی FATF است.

FATF تاکنون چندین گزارش رسمی منتشر کرده و از اقدامات مطلوب دولت نتانیا هو در مقابله با تروریسم تقدیر کرده است!



# FATF

۲۳

## جوابیه کروز به مطالبه اعدام حمید کشاورز

شرکت صنایع تولیدی کروز جوابیه ای به این شرح به روزنامه چارسوق ارسال کرده است:

نظریه درج محتوای خلاف واقع و حاوی اطلاعات ناقص و مخدوش آن رسانه در مطلبی با عنوان «۴/۵ سال تا اعدام مالک کروز» که در تاریخ ۸ مردادماه در صفحه اول این روزنامه منتشر شد، مقتضی است به موجب ماده ۲۳ قانون مطبوعات، توضیح زیر جهت تنویر افکار عمومی در اسرع وقت و در همان صفحه ها و با همان حروف منتشر شود.

جایگاه متهم





### گزارش جدید FATF؛ نقشه تازه برای مهار محور مقاومت

گزارش تازه FATF، برای کشورهای ائتلاف غربی امکان ایجاد بسته‌های تحریمی و محدودیت‌های بانکی تازه علیه نهاده‌ها و افراد در لبنان، ایران، و حتی عراق را فراهم می‌کند. این یعنی گام نخست برای مسدودسازی همه کانال‌های مالی محور مقاومت؛ از مؤسسات خیریه گرفته تا شبکه‌های حواله و تجارت قانونی.

در میانه تابستان ۲۰۲۵، گروه ویژه اقدام مالی (FATF) گزارشی جدید منتشر کرد که بلافاصله موجی از واکنش‌ها را برانگیخت. در این سند، حزب‌الله لبنان به‌صراحت «گروه تروریستی» خوانده شده و نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز به‌طور تلویحی به عنوان حامی گروه‌های تروریستی و عامل قاچاق معرفی شده‌است. نکته حساس تر، استناد FATF به داده‌ها و گزارش‌هایی است که بخش قابل توجهی از آن‌ها از منابع امنیتی و رسانه‌ای رژیم صهیونیستی استخراج شده است؛ رژیمی که آشکارا در خط مقدم تقابل با ایران و محور مقاومت قرار دارد. این گزارش دقیقاً در دوره‌ای منتشر شده که آمریکا و چند دولت غربی دیگر، فشارها را ی خلع سلاح حزب‌الله لبنان را افزایش داده‌اند.

هم‌زمانی این تحرکات، یکبار دیگر این پرسش را برچسته می‌کند که آیا FATF یک نهاد فنی بی‌طرف برای مقابله با تروریسم و پولشویی است؟! یا صرفاً ابزاری

سیاسی-امنیتی در خدمت محور غربی-عبری است؟!

اتهامات تازه و منابع پرسش برانگیز در متن گزارش، حزب‌الله به اتهام «شبکه‌سازی مالی برای پشتیبانی از عملیات تروریستی» معرفی و نیروی قدس سپاه متهم به حضور در «نظریه‌های قاچاق» شده‌است. این اتهامات بر مبنای گزارش‌هایی بنا شده که بخش مهمی از آن‌ها توسط اندیشکده‌ها و رسانه‌های نزدیک به رژیم اسرائیل منتشر شده‌اند. به‌ظاهر، FATF فقط داده‌های موجود را گردآوری می‌کند، اما تجربه و سوابق مشابه به‌ویژه در ماجرای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نشان می‌دهد که اتکای مکرر به گزارش‌های یک طرف‌درگیر، بی‌طرفی را مخدوش می‌کند. نمونه معروف، ارائه «برونده‌های ادعایی» توسط سرویس‌های اطلاعاتی اسرائیل به آژانس بود که بعدها از سوی مقامات ایران جعلی و دارای اهداف سیاسی معرفی شد. FATF؛ در ظاهر با شعار مأموریت فنی و مأموریت سیاسی در باطن FATF در سال ۱۹۸۹ به‌اینکار گره افت (GV) تشکیل شد و هدف اولیه‌اش تدوین استانداردهایی برای جلوگیری از پولشویی، به‌ویژه از سوی کارتِل‌های مواد مخدر بود. پس از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، مأموریت این نهاد به «مقابله با تأمین مالی تروریسم» نیز گسترش یافت.

مشکل از آنجاست‌اند که تعریف «تروریسم» در این نهاد، نه بر اساس اجماع جهانی، بلکه بر پایه قطعنامه‌ها و فهرست‌های شورای امنیت سازمان ملل و قوانین برخی دولت‌ها به‌ویژه آمریکا شکل گرفت؛ قطعنامه‌هایی که خود به‌شدت تحت تأثیر قدرت‌های بزرگ هستند. این تغییر مأموریت، FATF را به بستری برای اعمال فشار سیاسی بر کشورهای تبدیل کرد؛ بستری که از قابلیت سخت‌افزاری (لیست سپاه و خاکستری) و ظرفیت نرم‌افزاری (فشارسازی و بیانیه‌های رسمی) برخوردار است. \*\*\* پرونده‌های بحث‌برانگیز FATF مروری بر عملکرد FATF نشان می‌دهد که این نهاد در مواجهه با برخی کشورها انتظاف‌پذیری غیرقابل توجهی دارد. به عنوان نمونه، پاکستان بارها به دلیل روابط پیچیده با گروه‌های مسلح منطقه‌ای وارد فهرست خاکستری FATF شده، اما با فشار آمریکا برای حفظ نقش اسلام‌آباد در افغانستان، دوره‌های FATF خروج سریعی را تجربه کرده است. در یک نمونه دیگر، پرونده رسوایی «دانسکه بانک» دانمارک که شامل پولشویی ۲۰۰ میلیاردیورویی بود یا تحولات مالی در «دوچه بانک» آلمان، هرگز باعث معرفی این کشورها به لیست پرریسک نشد. همچنین مواردی وجود دارد که یک کشور با وجود سطح بالایی فساد بانکی و مالی، تنها به دلیل هم‌پیمانی سیاسی با غرب، نامش هرگز در فهرست سپاه FATF قرار نگرفته است. این الگوی دوگانه، شائبه سیاسی بودن تصمیمات رایبیش از پیش تقویت می‌کند.

**ضربه به شریان مالی محور مقاومت و در خدمت به اسرائیل**

گزارش تازه FATF، برای کشورهای ائتلاف غربی امکان ایجاد بسته‌های تحریمی و محدودیت‌های بانکی تازه علیه نهاده‌ها و افراد در لبنان، ایران، و حتی عراق را فراهم می‌کند. این یعنی گام نخست برای مسدودسازی همه کانال‌های مالی محور مقاومت؛ از مؤسسات خیریه گرفته تا شبکه‌های حواله و تجارت قانونی. یکی از انتقادات قدیمی به FATF، تبعیت از تعریف شورای امنیت سازمان ملل از تروریسم است؛ تعریفی که عملاً تحت نفوذ پنج عضو دائم شورا قرار دارد. این تعریف عملاً اجازه می‌دهد که گروه‌هایی که علیه منافع غرب فعالیت می‌کنند، بی‌درنگ در فهرست‌های تروریستی قرار گیرند. اما گروه‌های همسوزان ناآیده گرفته‌شوند. همین رویکرد باعث شده که FATF، هیچ اقدام جدی علیه شبکه‌های مالی شبه‌نظامیان اوکراینی یا برخی گروه‌های مسلح آفریقایی همسو با اروپا انجام ندهد. در حالی که مستندات زیادی درباره دریافت کمک‌های مالی غیرشفاف آن‌ها وجود دارد.

**همسویی زمانی با سیاست‌های آمریکا و اسرائیل**

انتشار این گزارش دقیقاً هم‌زمان با تشدید فشارهای آمریکا برای خلع سلاح حزب‌الله لبنان، نمی‌تواند اتفاقی تلقی شود. در ماه‌های اخیر، مقامات اسرائیلی نیز آشکارا بر ضرورت نابودی شریان‌های مالی «حزب‌الله» تأکید کرده‌اند. FATF با استناد به منابع همان طرف درگیر، عملاً به بخشی از این پروژه تبدیل شده است. از سوی دیگر گزارش اخیر FATF می‌تواند به عنوان مستند رسمی در پرونده‌های تحریم و حتی اقدامات حقوقی بین‌المللی علیه نهاده‌های ایرانی به کار گرفته شود. چنانچه این مسیر ادامه یابد، حتی فعالیت بانک‌های کوچک و مؤسسات خیریه داخلی نیز در سطح بین‌المللی می‌تواند هدف قرار گیرد.

**FATF؛ ابزار غرب برای فشار به جبهه مقابل**

با کنار هم گذاشتن شواهد، می‌توان گفت FATF بجای آنکه صرفاً یک نهاد فنی برای مقابله با پولشویی و تأمین مالی تروریسم باشد، به ابزار غرب برای فشار به جبهه مقابل تبدیل شده‌است. این نهاد با ترکیب فشار مالی، استنادار ادعای سیاسی سازی شده و استناد به داده‌های جعلی طرف غربی-عبری، می‌تواند مسیرهای کلان اقتصادی و نظامی کشورهای ا هدف قرار دهد؛ آن‌هم بدون شلیک حتی یک گلوله.

بر همین اساس، برای کشورهای هدف، درک ماهیت واقعی این تهدید و طراحی واکنش‌های هوشمندانه، همان قدر حیاتی است که حفاظت از تأسیسات راهبردی، لازم و ضروری است. نکته مهم اینجاست که علیرغم سابقه سه‌ده FATF در مبارزه با تروریسم و پولشویی و عملکرد مغرضانه این نهاد علیه ایران، جریان فرگیر در داخل کشور همچنان اصرار دارد که ایران به تمامی دستورات و توصیه‌های این سازمان به‌ظاهر بین‌المللی عمل کند. این در حالی است که بنابر مستندات FATF، ابزار و بازوی وزارت خزانه‌داری آمریکا در جنگ اقتصادی با سایر دولت‌ها از جمله جمهوری اسلامی ایران است.

نصف اقتصاد رادردست بگیرید



Charsogh newspaper

یکشنبه ۲۶ مرداد ۱۴۰۴ | سال اول | شماره ۲۵۳

## FATF REPORT Comprehensive Update on Terrorist Financing Risks

249. In Latin America, risk assessments of the gold sector have underlined its vulnerability to TF, particularly in Colombia and Peru<sup>239</sup>. A report by FATF and APG described a case study of a terrorist group in Colombia whose modus operandi consisted of taking control of territories where gold mines were located by extorting and coercing the owners to transfer the ownership titles of the land. Part of the gold produced illegally by the terrorist group was sold to legal businesses through cash transactions with a view to concealing its provenance. The profits were then used to buy equipment, munitions, medicines, and other supplies needed to continue with the group’s terrorist activities<sup>240</sup>. Israel reports that Iranian Quds Force operatives acquire gold in Venezuela, smuggle it via airlines, and sell it in the Middle East, with profits transferred to Hezbollah<sup>241</sup> to finance its activities.

250. In Burkina Faso, Mali, and Niger, the gold rush is offering a new source of funding for terrorist groups, particularly in the Liptako-Gourma region, as the groups seek financing opportunities that are sustainable to finance their long-term activities, easily accessible, and available at the lowest risks of detection and disruption. The Islamic State in the Greater Sahara (ISGS) and JNIM are reportedly fighting in the Gourma sector of Mali, in part for control of gold extraction areas where the groups impose illegal taxation on small-scale gold miners for protection or to collect zakat. Affected regions include Kidal in the north of Mali (involving JNIM fraction groups such as Ansar Edine); Bongou and Soum in Burkina Faso (involving groups such as Ansar al Islam); and Kombongou in Niger (areas that have also suffered a number of terrorist attacks). The local communities are particularly vulnerable as they live in isolated areas with a limited law enforcement

## FATF: حزب‌الله لبنان و نیروی قدس سپاه تروریست و قاچاقچی هستند، اما دولت اسرائیل ضد تروریسم است

# FATF ابزار نتانیا‌هو علیه ایران

■ **هادی خانی، معاون وزیر اقتصاد که پیگیر اصلی تحمیل مطالبات FATF به کشورمان است، نسبت به گزارش جدید این نهاد غربی مبنی بر تروریستی بودن نیروی قدس سپاه هم تلاش کرد آن را توجیه کند؛ گویا وی به جای آن که حافظ منافع ایران باشد، سخنگوی FATF است.**

■ **FATF تاکنون چندین گزارش رسمی منتشر کرده و از اقدامات مطلوب دولت نتانیا‌هو در مقابله با تروریسم تقدیر کرده است!**

## گزارش

گزارش FATF تاکنون چندین گزارش رسمی منتشر کرده و از اقدامات مطلوب دولت نتانیا‌هو در مقابله با تروریسم تقدیر کرده است!

در حالی که دولت پزشکیان از ابتدای شروع به کارش به دنبال عضویت ایران در نهاد آمریکایی FATF است، FATF در تازه‌ترین گزارش خود با استناد به گزارش رژیم صهیونیستی، وقحانه مدعی شد که نیروی قدس سپاه انقلاب اسلامی ایران، قاچاقچی است. گروه ویژه اقدام مالی (FATF) یک نهاد تحت مدیریت آمریکا است که برپهانه مقابله با پولشویی و تروریسم ایجاد شده اما هم‌اکنون اولین دست تروریست‌ترین دولت تاریخ یعنی رژیم صهیونیستی است و خواسته‌های آمریکا و اسرائیل را اجرامی‌کند. FATF تاکنون چندین گزارش رسمی منتشر کرده و از اقدامات مطلوب دولت نتانیا‌هو در مقابله با تروریسم تقدیر کرده است؛ با ادعای جدید FATF علیه نیروی قدس سپاه، کشورهای عضو این نهاد باری باید از هرگونه همکاری با مؤسسات وابسته به سپاه با همکاری سپاه خوداری کنند. اکنون با این موضع رسمی FATF، باید دید چرا دولت پزشکیان همچنان به دنبال تحمیل خواسته‌های FATF به ایران است؟

دبیرخانه FATF درحالی از ایران برای مذاکره حضوری دعوت کرده که احتمالاً آخوسته بعدی این گروه پیوستن ایران به کنوانسیون CFT یا مقابله با تأمین مالی تروریسم باشد. در آخرین گزارش این گروه درباره تأمین مالی تروریسم، حزب‌الله لبنان یک گروه تروریستی اعلام شده‌است. نیروی قدس سپاه پاسداران نیز با استناد FATF به گزارش منابع اسرائیلی، قاچاقچی و تلویحاً به عنوان حمایت‌گر گروه‌های تروریستی معرفی شده است. استناد FATF به گزارش‌های اسرائیل دقیقاً مشابه روندی است که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پیگیری می‌کند.

بعد از گرای اطلاعاتی جاسوسان آژانس و حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران؛ حال نوبت FATF برای ضربه به شبکه مالی محور مقاومت است؛ آن‌هم درست هنگامی که آمریکا به دنبال خلع سلاح حزب‌الله لبنان است. FATF در گزارش جدید حزب‌الله لبنان را تروریستی خوانده و به نیروی قدس سپاه اتهام قاچاق زد. در گزارش جدید FATF، نام حزب‌الله لبنان به عنوان گروه تروریستی معرفی شد، همچنین در این گزارش به نیروی قدس سپاه پاسداران نیز اتهام قاچاق زده شده است. عنوان این گزارش «به‌روزرسانی جامع در مورد خطرات تأمین مالی تروریسم» است. هفته گذ شته وزارت اقتصاد از دعوت ایران به اجلاس FATF به عنوان یک خبر خوب یاد کرده بود. کارشناسان همواره هشدار داده‌اند، همکاری با FATF یا موضع سیاسی ایران در منطقه را تضعیف کرده و همچنین در شرایط تحریمی می‌تواند فشار بر اقتصاد ایران را افزایش دهد.

**دعوت رسمی FATF؛ ایران؛ شبکه صادرات نفت باز هم نو می‌رود؟** دبیرخانه FATF رسماً از ایران برای مذاکره دعوت کرده است اما کارشناسان می‌گویند، وزارت اقتصاد باید نسبت به پشت‌پرده این دعوت آگاه باشد.

روابط عمومی مرکز اطلاعات مالی اعلام کرد که دبیرخانه FATF رسماً از معاون وزیر اقتصاد ایران برای مذاکره دعوت به عمل آورده است. سابق بر این ترامپ به وزارت خزانه‌داری آمریکا دستور داده بود تا باکتا پر سازوکار FATF فروش نفت ایران را به صفر برساند. همچنین یک مقام نفتی دولت روحانی با اشاره به پشت پرده الحاق ایران به FATF گفته بود که یک شبکه بانکی برای فروش نفت به نام صرافی هاداشتم، اما جزئیات آن را تحت چارچوب FIU (واحد اطلاعات مالی) افشا کردیم و خودمان آن را بستیم. با توجه به تجربه لورفتن شبکه فروش نفت از مسیر FATF، اکنون که

هم انتقاد کرده و آن را ناهماهنگ با فضای همدلی فعلی دانسته است.

هرچند در بیانیه FATF صراحتاً گفته شده که بعد از تصویب پارمو و CFT این نهاد درباره گام‌های بعدی تصمیم‌گیری می‌کند و ممکن است اقدامات تقابلی تنها تعلیق شوند، با این حال رئیس مرکز اطلاعات مالی همچنان اصرار دارد مجمع تشخیص باید سریع‌تر CFT را نیز تصویب کند تا پرونده ایران در FATF عادی شود. این موضوع نشان می‌دهد برخی در داخل ایران تمایلی به درک ذات نهادهای بین‌المللی ندارند چراکه این نهادها علاوه بر اینکه پیش از این نشان داده‌اند تنها به نفع چند کشور خاص عمل می‌کنند، با جنگ ایران و رژیم صهیونیستی و تجربه عملکرد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز کاملاً مشخص شد که هرچقدر هم ایران تلاش کند این نهادها را راضی نگه دارد باز هم تأثیری در وضعیت آن ندارد.

همین موضوع نشان می‌دهد برخی در داخل ایران تمایلی به درک ذات نهادهای بین‌المللی ندارند چراکه این نهادها علاوه بر اینکه پیش از این متقندان این موضوع را مطرح می‌کردند، اما با این پاسخ که این نهادها بین‌المللی هستند و دیگر کشورها اجازه استفاده آمریکا را نمی‌دهند، مواجهه می‌شدند. موضوعی که در حال حاضر در خصوص مجمع پلنری FATF و تسلسط آمریکایی‌ها بر آن مطرح است و کارشناسان معتقدند حتی اگر ایران کنوانسیون‌های پارمو و CFT را تصویب کند باز هم پرونده ایران در پلنری تغییری نخواهد کرد و اجازه خروج ایران از لیست سپاه FATF با کارشکنی آمریکایی‌ها و بقیه کشورهای همسوا با آن‌ها داده نخواهد شد.

سید مرتضی محمودی؛ نماینده مردم تهران در مجلس در یادداشتی نوشت: در گزارش اخیر FATF، حزب‌الله لبنان به عنوان گروه تروریستی و نیروی قدس سپاه پاسداران با استناد به منابع اسرائیلی، قاچاقچی و حامی تروریسم معرفی شده‌اند!

هم‌زمان، این نهاد از ایران برای مذاکره حضوری دعوت کرده و احتمالاً خواست بعدی آن، پیوستن به کنوانسیون CFT خواهد بود. دوباره می‌پرسم: آیا هنوز کسی در نیپوستن به FATF و CFT و زیان‌های ناشی از آن برای کشور تردید دارد؟

سید مرتضی محمودی؛ نماینده مردم تهران در مجلس در یادداشتی نوشت: در گزارش اخیر FATF، حزب‌الله لبنان به عنوان گروه تروریستی و نیروی قدس سپاه پاسداران با استناد به منابع اسرائیلی، قاچاقچی و حامی تروریسم معرفی شده‌اند!

هم‌زمان، این نهاد از ایران برای مذاکره حضوری دعوت کرده و احتمالاً خواست بعدی آن، پیوستن به کنوانسیون CFT خواهد بود. دوباره می‌پرسم: آیا هنوز کسی در نیپوستن به FATF و CFT و زیان‌های ناشی از آن برای کشور تردید دارد؟

سید مرتضی محمودی؛ نماینده مردم تهران در مجلس در یادداشتی نوشت: در گزارش اخیر FATF، حزب‌الله لبنان به عنوان گروه تروریستی و نیروی قدس سپاه پاسداران با استناد به منابع اسرائیلی، قاچاقچی و حامی تروریسم معرفی شده‌اند!

هم‌زمان، این نهاد از ایران برای مذاکره حضوری دعوت کرده و احتمالاً خواست بعدی آن، پیوستن به کنوانسیون CFT خواهد بود. دوباره می‌پرسم: آیا هنوز کسی در نیپوستن به FATF و CFT و زیان‌های ناشی از آن برای کشور تردید دارد؟

سید مرتضی محمودی؛ نماینده مردم تهران در مجلس در یادداشتی نوشت: در گزارش اخیر FATF، حزب‌الله لبنان به عنوان گروه تروریستی و نیروی قدس سپاه پاسداران با استناد به منابع اسرائیلی، قاچاقچی و حامی تروریسم معرفی شده‌اند!

هم‌زمان، این نهاد از ایران برای مذاکره حضوری دعوت کرده و احتمالاً خواست بعدی آن، پیوستن به کنوانسیون CFT خواهد بود. دوباره می‌پرسم: آیا هنوز کسی در نیپوستن به FATF و CFT و زیان‌های ناشی از آن برای کشور تردید دارد؟

سید مرتضی محمودی؛ نماینده مردم تهران در مجلس در یادداشتی نوشت: در گزارش اخیر FATF، حزب‌الله لبنان به عنوان گروه تروریستی و نیروی قدس سپاه پاسداران با استناد به منابع اسرائیلی، قاچاقچی و حامی تروریسم معرفی شده‌اند!

هم‌زمان، این نهاد از ایران برای مذاکره حضوری دعوت کرده و احتمالاً خواست بعدی آن، پیوستن به کنوانسیون CFT خواهد بود. دوباره می‌پرسم: آیا هنوز کسی در نیپوستن به FATF و CFT و زیان‌های ناشی از آن برای کشور تردید دارد؟

سید مرتضی محمودی؛ نماینده مردم تهران در مجلس در یادداشتی نوشت: در گزارش اخیر FATF، حزب‌الله لبنان به عنوان گروه تروریستی و نیروی قدس سپاه پاسداران با استناد به منابع اسرائیلی، قاچاقچی و حامی تروریسم معرفی شده‌اند!

هم‌زمان، این نهاد از ایران برای مذاکره حضوری دعوت کرده و احتمالاً خواست بعدی آن، پیوستن به کنوانسیون CFT خواهد بود. دوباره می‌پرسم: آیا هنوز کسی در نیپوستن به FATF و CFT و زیان‌های ناشی از آن برای کشور تردید دارد؟

سید مرتضی محمودی؛ نماینده مردم تهران در مجلس در یادداشتی نوشت: در گزارش اخیر FATF، حزب‌الله لبنان به عنوان گروه تروریستی و نیروی قدس سپاه پاسداران با استناد به منابع اسرائیلی، قاچاقچی و حامی تروریسم معرفی شده‌اند!

هم‌زمان، این نهاد از ایران برای مذاکره حضوری دعوت کرده و احتمالاً خواست بعدی آن، پیوستن به کنوانسیون CFT خواهد بود. دوباره می‌پرسم: آیا هنوز کسی در نیپوستن به FATF و CFT و زیان‌های ناشی از آن برای کشور تردید دارد؟

سید مرتضی محمودی؛ نماینده مردم تهران در مجلس در یادداشتی نوشت: در گزارش اخیر FATF، حزب‌الله لبنان به عنوان گروه تروریستی و نیروی قدس سپاه پاسداران با استناد به منابع اسرائیلی، قاچاقچی و حامی تروریسم معرفی شده‌اند!

هم‌زمان، این نهاد از ایران برای مذاکره حضوری دعوت کرده و احتمالاً خواست بعدی آن، پیوستن به کنوانسیون CFT خواهد بود. دوباره می‌پرسم: آیا هنوز کسی در نیپوستن به FATF و CFT و زیان‌های ناشی از آن برای کشور تردید دارد؟

سید مرتضی محمودی؛ نماینده مردم تهران در مجلس در یادداشتی نوشت: در گزارش اخیر FATF، حزب‌الله لبنان به عنوان گروه تروریستی و نیروی قدس سپاه پاسداران با استناد به منابع اسرائیلی، قاچاقچی و حامی تروریسم معرفی شده‌اند!

هم‌زمان، این نهاد از ایران برای مذاکره حضوری دعوت کرده و احتمالاً خواست بعدی آن، پیوستن به کنوانسیون CFT خواهد بود. دوباره می‌پرسم: آیا هنوز کسی در نیپوستن به FATF و CFT و زیان‌های ناشی از آن برای کشور تردید دارد؟

سید مرتضی محمودی؛ نماینده مردم تهران در مجلس در یادداشتی نوشت: در گزارش اخیر FATF، حزب‌الله لبنان به عنوان گروه تروریستی و نیروی قدس سپاه پاسداران با استناد به منابع اسرائیلی، قاچاقچی و حامی تروریسم معرفی شده‌اند!

هم‌زمان، این نهاد از ایران برای مذاکره حضوری دعوت کرده و احتمالاً خواست بعدی آن، پیوستن به کنوانسیون CFT خواهد بود. دوباره می‌پرسم: آیا هنوز کسی در نیپوستن به FATF و CFT و زیان‌های ناشی از آن برای کشور تردید دارد؟

سید مرتضی محمودی؛ نماینده مردم تهران در مجلس در یادداشتی نوشت: در گزارش اخیر FATF، حزب‌الله لبنان به عنوان گروه تروریستی و نیروی قدس سپاه پاسداران با استناد به منابع اسرائیلی، قاچاقچی و حامی تروریسم معرفی شده‌اند!

هم‌زمان، این نهاد از ایران برای مذاکره حضوری دعوت کرده و احتمالاً خواست بعدی آن، پیوستن به کنوانسیون CFT خواهد بود. دوباره می‌پرسم: آیا هنوز کسی در نیپوستن به FATF و CFT و زیان‌های ناشی از آن برای کشور تردید دارد؟

هم‌زمان، این نهاد از ایران برای مذاکره حضوری دعوت کرده و احتمالاً خواست بعدی آن، پیوستن به کنوانسیون CFT خواهد بود. دوباره می‌پرسم: آیا هنوز کسی در نیپوستن به FATF و CFT و زیان‌های ناشی از آن برای کشور تردید دارد؟

هم‌زمان، این نهاد از ایران برای مذاکره حضوری دعوت کرده و احتمالاً خواست بعدی آن، پیوستن به کنوانسیون CFT خواهد بود. دوباره می‌پرسم: آیا هنوز کسی در نیپوستن به FATF و CFT و زیان‌های ناشی از آن برای کشور تردید دارد؟

هم‌زمان، این نهاد از ایران برای مذاکره حضوری دعوت کرده و احتمالاً خواست بعدی آن، پیوستن به کنوانسیون CFT خواهد بود. دوباره می‌پرسم: آیا هنوز کسی در نیپوستن به FATF و CFT و زیان‌های ناشی از آن برای کشور تردید دارد؟

هم‌زمان، این نهاد از ایران برای مذاکره حضوری دعوت کرده و احتمالاً خواست بعدی آن، پیوستن به کنوانسیون CFT خواهد بود. دوباره می‌پرسم: آیا هنوز کسی در نیپوستن به FATF و CFT و زیان‌های ناشی از آن برای کشور تردید دارد؟

هم‌زمان، این نهاد از ایران برای مذاکره حضوری دعوت کرده و احتمالاً خواست بعدی آن، پیوستن به کنوانسیون CFT خواهد بود. دوباره می‌پرسم: آیا هنوز کسی در نیپوستن به FATF و CFT و زیان‌های ناشی از آن برای کشور تردید دارد؟

هم‌زمان، این نهاد از ایران برای مذاکره حضوری دعوت کرده و احتمالاً خواست بعدی آن، پیوستن به کنوانسیون CFT خواهد بود. دوباره می‌پرسم: آیا هنوز کسی در نیپوستن به FATF و CFT و زیان‌های ناشی از آن برای کشور تردید دارد؟

هم‌زمان، این نهاد از ایران برای مذاکره حضوری دعوت کرده و احتمالاً خواست بعدی آن، پیوستن به کنوانسیون CFT خواهد بود. دوباره می‌پرسم: آیا هنوز کسی در نیپوستن به FATF و CFT و زیان‌های ناشی از آن برای کشور تردید دارد؟

هم‌زمان، این نهاد از ایران برای مذاکره حضوری دعوت کرده و احتمالاً خواست بعدی آن، پیوستن به کنوانسیون CFT خواهد بود. دوباره می‌پرسم: آیا هنوز کسی در نیپوستن به FATF و CFT و زیان‌های ناشی از آن برای کشور تردید دارد؟



## نقشه راه حاکمیتی برای کاهش واردات آیفون های لوکس

**📱** با وجود محدودیت‌های سهمیه‌ای برای کنترل واردات تلفن همراه لوکس، بازار موبایل در تابستان ۱۴۰۴ همچنان مملو از آیفون است. این امر باعث شده برخی کارشناسان نسبت به اثربخشی سیاست‌های حاکمیتی سهمیه‌بندی تردید داشته باشند.

پس از سه سال سیاست‌گذاری پرچالش در حوزه واردات تلفن همراه آیفون، به نظر می‌رسد دولت (وزارت صمت و بانک مرکزی) رویکردی پلکانی و هدفمند را برای کاهش تدریجی سهم این کالای لوکس از بازار در پیش گرفته است.

آیفون که اواخر سال ۱۴۰۱ به طور کامل از فهرست کالاهای مجاز وارداتی حذف شد، در اواخر سال ۱۴۰۳ مجدداً مجوز ورود به کشور را از مسیر رسمی و تجاری به دست آورد. با این حال، این بازگشایی با وضع محدودیت‌ها و سهمیه‌بندی‌های سختگیرانه همراه شد که نشان می‌دهد دولت قصد دارد مصرف ارز در این حوزه را به شدت کنترل کند.

**بازگشایی کنترل شده پس از سه سال ممنوعیت**

از اواخر سال ۱۴۰۱ تا اواخر ۱۴۰۳، واردات آیفون از مبادی رسمی متوقف بود و فقط مقادیر محدودی از این گوشی‌ها از مسیرهای غیررسمی و قاچاق وارد کشور می‌شد. با تغییر سیاست دولت در اواخر ۱۴۰۳، امکان ثبت سفارش آیفون در سامانه جامع تجارت فراهم شد اما مدت کوتاهی پس از آزادسازی و تقاضای هیجانی برای واردات مشخص شد که این مجوز آزاد و بدون قید و شرط نبود. سیاست‌گذاران از همان ابتدا تاکید داشتند که واردات آیفون باید در چهارچوبی محدود و با هدف جلوگیری از هدررفت منابع ارزی انجام شود.

**سهمیه‌بندی واردات: از ۳۰ درصد به ۲۰ درصد**

اولین گام دولت در سال ۱۴۰۳ برای کنترل بازار آیفون، تعیین سهمیه ۳۰ درصدی برای واردات تلفن همراه لوکس با ارزش بیش از ۶۰۰ دلار بود. این سقف، عملاً بیشتر مدل‌های آیفون را شامل می‌شد. براساس اطلاعاتی سامانه جامع تجارت، هر واردکننده مجاز بود حداکثر معادل ۳۰ درصد از سابقه واردات کل تلفن همراه خود را صرف واردات این مدل‌ها کند.

اما در سال ۱۴۰۴، دولت یک گام دیگر در مسیر محدودسازی برداشت و سهمیه واردات تلفن همراه لوکس را از ۳۰ درصد به ۲۰ درصد کاهش داد. این تصمیم در اطلاعیه اردیبهشت ۱۴۰۴ سامانه جامع تجارت ابلاغ شد و نشان داد که کاهش سهمیه، بخشی از یک برنامه پلکانی برای مدیریت تقاضا و مصرف ارز در حوزه گوشی‌های لوکس است.

**جزئیات اطلاعیه سهمیه آیفون برای ۱۴۰۴**

اطلاعیه اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۴ دو تغییر مهم را اعلام کرد:

افزایش سابقه اولیه قابل استفاده، پیش‌ترین سابقه یک‌ششم میانگین ارزش واردات دو سال اخیر برای هر بازگان بود اما اکنون به یک چهارم افزایش یافته است. این رقم تا سقف میانگین واردات دو سال اخیر قابل بازگشایی است، مشروط به ثبت سفارش و ترخیص جدید. کاهش سقف واردات لوکس: میزان مجاز برای واردات گوشی‌های بالای ۶۰۰ دلار از ۳۰ درصد سابقه به ۲۰ درصد سابقه کاهش یافته است. این تغییرات، به گفته مقامات وزارت صمت، با هدف مدیریت مصرف ارز و هدایت منابع به سمت واردات کالاهای ضروری و مورد نیاز عموم مردم اعمال شده است.

**نقش کمیسیون اقتصادی دولت و نهادهای نظارتی**

چندی پیش یکی از دستگاه‌های نظارتی، در کمیسیون اقتصادی دولت، برنامه‌ای برای مدیریت واردات آیفون‌های لوکس ارائه داد. این طرح، بر سه محور اصلی کاهش تدریجی سهم آیفون از بازار با استفاده از ابزار سهمیه‌بندی پلکانی، «پایش مصرف ارز در حوزه واردات تلفن همراه و مقایسه آن با اولویت‌های ارزی کشور» و «هدایت منابع ارزی به سمت کالاهای با اولویت بالاتر و تاثیرگذارتر بر رفاه عمومی» استوار بود.

**آمار واردات و ارزیابی آیفون**

بررسی آماری رسمی نشان می‌دهد که در سال‌های قبل از ممنوعیت، بازار ایران سالانه حدود ۳ میلیارد دلار واردات تلفن همراه داشت که از این رقم، نزدیک به یک میلیارد دلار به آیفون اختصاص داشت. این در حالی است که سهم آیفون از نظر تعداد دسگانه کمتر از ۱۰ درصد کل واردات بود. این داده‌ها نشان می‌دهد که آیفون با وجود حجم محدود، ارزیابی بسیار بالایی دارد و نقش چندانی در تأمین نیاز اصلی بازار، به‌ویژه در بخش میان‌رده و اقتصادی ایفا نمی‌کند.

در سال ۱۴۰۳، پس از بازگشایی ثبت سفارش در ماه‌های پایانی سال، حدود ۵۰ میلیون دلار آیفون از مبادی رسمی ترخیص شد.

این رقم قابل توجه، حساسیت نهادهای نظارتی را نسبت به تداوم واردات این محصول برانگیخت و منجر به تصمیمات محدودکننده در سال ۱۴۰۴ شد.

**تناقض بازار و سیاست‌گذاری**

با وجود محدودیت‌های سهمیه‌ای، بازار تلفن همراه در ماه‌های ابتدایی ۱۴۰۴ همچنان مملو از آیفون است. این امر باعث شده برخی کارشناسان نسبت به اثربخشی سیاست‌های سهمیه‌بندی تردید داشته باشند و بر لزوم نظارت جدی‌تر بر مسیر ثبت سفارش و ترخیص تاکید کنند.

برخی گزارش‌ها نیز حاکی از آن است که بخشی از واردات آیفون به صورت تجعیمی و از طریق ترخیص سهمیه‌ای چند واردکننده انجام می‌شود که در عمل، محدودیت‌های فردی را دور می‌زند.

آچه در سیاست‌های اخیر دولت دیده می‌شود، یک نقشه راه حاکمیتی برای کاهش تدریجی واردات آیفون‌های لوکس است. این مسیر از رفع ممنوعیت واردات در اواخر ۱۴۰۳ آغاز شد اما با کاهش سهمیه از ۳۰ درصد به ۲۰ درصد در ۱۴۰۴ ادامه یافت و به نظر می‌رسد در آینده نیز محدودیت‌های بیشتری اعمال شود.

هدف اصلی این سیاست، کاهش ارزیابی کالاهای لوکس، اولویت‌بندی منابع ارزی و هدایت آن‌ها به سمت کالاهای اساسی و پر مصرف است، با این حال، تداوم حضور پررنگ آیفون در بازار نشان می‌دهد که موفقیت کامل این برنامه نیازمند نظارت مؤثر، جلوگیری از دور زدن سهمیه‌ها و شفاف‌سازی بیشتر فرآیند واردات است.

سالانه حدود ۸ میلیارد دلار نهاده دامی وارد کشور می‌شود که عمدتاً از مسیرهای پرریسک دریاهای آزاد است. در حالی که روسیه و قزاقستان دو کشور همسایه شمالی، ظرفیت تأمین بخشی از این کالاهای اساسی را دارند. آمارها نشان می‌دهد ظرفیت واردات غلات از بنادر و پایانه‌های شمالی کشور، ۲ میلیون تن بیشتر از میزان مصرف شده است. با انصال این پایانه‌ها به بنادر خشک و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، پایداری زنجیره تأمین کالاهای اساسی افزایش می‌یابد.

سالانه به طور میانگین حدود ۱۵ میلیارد دلار کالای اساسی وارد کشور می‌شود که قریب به ۸ میلیارد دلار از آن، نهاده دام و طیور (ذرت، جو، دانه و کنجالهٔ سویا) است. در کوتاه‌مدت امکان خودکفایی کامل یا جایگزینی این نهاده‌ها وجود ندارد، بنابراین واردات پایدار این محصولات (چه از منظر ارزی و چه از منظر لجستیکی) همواره مسئله جدی کشور بوده است. مسیر حمل‌دریایی غلات و نهاده‌های دامی که اغلب از کشورهای قاره



# ظرفیت افزایش ۲ میلیون تنی واردات غلات از پایانه‌های شمال کشور

## گزارش

آمریکا صورت می‌گیرد، می‌تواند مورد تهدید قرار بگیرد و تأمین محصولات اساسی کشور را با بحران روبه‌رو کند.

**واردات از مسیرهای شمالی، راهبردی برای حذف تهدیدات لجستیکی** در شرایطی که تأمین پایدار کالاهای اساسی با چالش‌هایی نظیر تحریم و ناپایداری مسیرهای وارداتی مواجه است، استفاده از ظرفیت کشورهای هم‌مرز شمالی مانند قزاقستان و روسیه می‌تواند راهبردی مؤثر برای کاهش تهدیدات لجستیکی محسوب شود. این کشورها به دلیل هم‌جواری جغرافیایی و دسترسی به شبکه حمل‌ونقل ریلی و دریایی، توانایی تأمین بخشی از نیاز کشور به کالاهای اساسی نظیر غلات، نهاده‌های دامی و روغن نباتی را دارند.

تقویت این مسیرها، وابستگی به مسیرهای طولانی و پرریسک دریایی را کاهش داده و تاب‌آوری زنجیره تأمین را ارتقا می‌بخشد. روسیه و قزاقستان به عنوان دو کشور هم‌مرز شمالی ایران، با ظرفیت بالای تولید غلات و سایر محصولات کشاورزی، جایگزین مناسبی برای کشورهای مورد دست مانند برزیل در تأمین کالاهای اساسی وارداتی محسوب می‌شوند. در سال ۲۰۲۴، روسیه با تولید بیش از ۱۲۵ میلیون تن غلات، بهره‌بردار بیشتری داشته باشد. این

بزرگ‌ترین صادرکننده گندم جهان باقی ماند. روسیه دانمأ در حال جذب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی برای تولید بیشتر محصولات اساسی کشاورزی مانند ذرت، سویا، کنار، جو و... است و این نشان می‌دهد روسیه در آینده مازاد تولید زیادی خواهد داشت و ایران نیز می‌تواند این ظرفیت استفاده کند. برآوردها نشان می‌دهد تا سال ۲۰۳۰ به میزان واردات تولید، حداقل ۲۰ میلیون تن دیگر افزوده خواهد شد.

**حداقل ۲ میلیون تن ظرفیت خالی لجستیک مسیرهای شمالی** ایران می‌تواند از ظرفیت دریای خزر برای واردات کالاهای اساسی، به‌ویژه در طریق دوبندر مهم امیرآباد و انزلی بهره‌بردار بیشتری داشته باشد. این

# اخبار ۳

دوبندر با زیرساخت مناسب و نزدیکی به کشورهای تولیدکننده شمالی، ظرفیت بالایی برای رشد تجارت دریایی دارند.

بندر امیرآباد ۱۵ اسکله، اتصال به راه‌آهن سراسری، سیلوهای مکانیزه، انبارهای وسیع و اراضی پشتیبان گسترده، یکی از مجهزترین بنادر شمالی کشور است که در حال حاضر تنها بخشی از ظرفیت واقعی خود را به کار گرفته است. با وجود ظرفیت بالقوه ۷.۵ میلیون تن و رکورد باگیری ۴.۷ میلیون تن، این بندر توان جذب واردات بیشتر کالاهای اساسی را تا ۲ میلیون بیشتر از شرایط فعلی دارد و می‌تواند بارفع برخی محدودیت‌ها، نقش کلیدی‌تری در تأمین پایدار کشور از مسیر دریای خزر ایفا کند.

همچنین بندر انزلی ظرفیت قابل‌توجهی برای واردات کالاهای اساسی دارد و می‌تواند در کنار بندر امیرآباد نقش مهمی در تقویت تجارت از مسیر دریای خزر ایفا کند. در سال ۱۴۰۳، این بندر با واردات بیش از یک میلیون تن کالای اساسی، پس از امیرآباد، دومین بندر فعال شمال کشور در این حوزه بوده است. حجم کل تخلیه و بارگیری بندر انزلی حدود ۱.۸۸ میلیون تن گزارش شده است و این بندر را بعد از امیرآباد به یک نقطه اتصال راهبردی با کشورهای حوزه CIS و روسیه تبدیل کرده است.

**استفاده از ظرفیت بندر خشک و سرمایه‌گذاری خصوصی**

یکی از راهکارهای مؤثر برای تقویت عملکرد بندر شمالی، بهره‌گیری از ظرفیت بندر خشک همچون منطقه ویژه پیام به عنوان حلقه مکمل زنجیره تأمین است. این بندر خشک که در استان البرز واقع شده، سابقه واردات بیش از ۳۴۰ هزار تن ذرت در سال ۱۳۹۸ را در کارنامه دارد و می‌تواند به عنوان گلوگاه توزیع نهاده‌های وارداتی از بنادر شمالی عمل کند. توسعه همکاری میان بندر شمالی همچون امیرآباد و انزلی با مراکز پشتیبان خشکی مانند پیام، باعث کاهش فشار بر مراکز بندری جنوبی و تسریع در توزیع درون‌سرزمینی خواهد شد. همچنین ضروری است ظرفیت بندر خشک دیگر نظیر آپرین، پیشگامان و اینچه‌برون نیز به صورت فعال‌تری در پشتیبانی لجستیکی از واردات غلات و نهاده‌ها به کار گرفته شود.

علاوه بر استفاده بهینه از ظرفیت‌های موجود، توسعه پایدار بنادر شمالی نیازمند سرمایه‌گذاری مؤثر در زیرساخت‌های بندری، سیلوسازی و کشتی‌سازی است. در این راستا، بهره‌گیری از مدل‌های سرمایه‌گذاری مشارکتی نظیر قراردادهای BOO (ساخت-بهره‌برداری، مالکیت) و BOT (ساخت، بهره‌برداری، واگذاری) می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در تسریع تجهیز بندر به امکانات مدرن ایفا کند.

توسعه پایدار بنادر شمالی نیازمند سرمایه‌گذاری مؤثر در زیرساخت‌های بندری، سیلوسازی و کشتی‌سازی است.

## تنش آبی صرفاً با پیشرفت تکنولوژی حل نمی‌شود

بحران آب در ایران از مرز هشدار گذشته و به مرحله تهدید جدی حیات سرزمینی رسیده است. برداشت بیش از ظرفیت منابع تجدیدپذیر، مصرف بی‌رویه در کشاورزی پرآب و سیاست‌گذاری‌های کوتاه‌نگر، کشور را در مسیری قرار داده که بازگشت از آن دشوار و پرهزینه خواهد بود. شاخص‌های جهانی نشان می‌دهد برداشت اینمن از منابع آب تجدیدپذیر نباید بیش از ۴۰ درصد باشد اما در ایران این رقم در برخی مناطق حتی از ۱۰۰ درصد عبور کرده است. این یعنی میزان مصرف کشورمان نه فقط از ذخایر سالانه خود فراتر رفته، بلکه به‌دخایری دست‌درازی کرده که طی میلیون‌ها سال در آبخوآن‌ها شکل گرفته‌اند. پیامد این روند، خشک شدن چاه‌ها، نشست زمین و نابودی اکوسیستم‌های بومی است؛ اتفاقی که بازسازی آن‌ها در مقیاس انسانی تقریباً ناممکن است.

**کشاورزی پرآب بر مصرف‌کننده اصلی ویی بازمه**

آمارها نشان می‌دهد بیش از ۶۰ درصد از حوآآبه طبیعی کشور در بخش کشاورزی مصرف می‌شود. با وجود این سهم عظیم، بهره‌وری آب در این بخش در مقایسه با میانگین جهانی به شدت پایین است. روش‌های سنتی آبیاری، مدیریت ناکارآمد و کشت محصولات پرآب بر در مناطق خشک، ساختاری را شکل داده که نه فقط به خودکفایی منجر نشده، بلکه فشار مضاعفی بر منابع آب وارد کرده است. در این میان، پروژه‌های موسوم به «مدرن‌سازی» نیز در بسیاری موارد به ابزاری برای انتقال بودجه‌های کلان به زمین‌داران و حامی مدیریت مطلوبی برآن‌ها اعمال شده‌اند. بی‌آنکه به کاهش واقعی مصرف آب بینجامند.

**تله تکنولوژی**

سیاست‌های آبی کشور در سال‌های اخیر، بیش از حد بر جایگزینی روش‌های سنتی با سیستم‌های تحت فشار مانند آبیاری قطره‌ای و بارانی متمرکز بوده است. هرچند این روش‌ها در برخی شرایط می‌توانند به کاهش هدررفت آب کمک کنند اما تمرکز یک‌جانبه بر تکنولوژی بدون کاهش سطح زیرکشت و مدیریت حجم کل مصرف، به معنای درمان سطحی یک بیماری مزمن است.

حتی در برخی مناطق خشک، تغییر کامل به سیستم‌های تحت فشار می‌تواند آثار معکوس داشته باشد. به دلیل تبخیر بالا و بارش اندک، این سیستم‌ها باعث تجمع نمک در خاک و کاهش کیفیت زمین‌های کشاورزی می‌شوند. در حالی که در همان مناطق آبیاری غرق‌آبی -با وجود مشکلاتش- می‌تواند به شست‌وشوی نمک‌ها و تغذیه سرفه‌های زیرزمینی کمک کند.

**نهاد با لگوی جهانی**

نگاهی به وضعیت جهانی نشان می‌دهد ۸۰ درصد تولیدات کشاورزی دنیا وابسته به رطوبت سبز حاصل از بارندگی است و فقط ۲۰ درصد از اراضی تحت آبیاری مصنوعی قرار دارند اما ایران این الگور را وره اجرامی کند: ۹۰ درصد تولیدات کشاورزی به آب آبیاری وابسته‌اند. در حالی که نیمی از اراضی کشور قابلیت کشت دائم دارند و ۱۰ درصد مدیریت مطلوبی برآن‌ها اعمال نمی‌شود. این ناهماهنگی، نه فقط فشار بی‌سابقه‌ای بر منابع آبی وارد کرده، بلکه ظرفیت بالقوه کشت دیم و سازگار با اقلیم را نیز بلااستفاده گذاشته است. آنچه بحران آب را در کشورمان تشدید می‌کند، ترکیبی از سیاست‌گذاری کورکورانه، تضاد منافع و ناکارآمدی ساختاری است. تصمیم‌گیران اغلب به جای تدوین راهبردهای بلندمدت، به پروژه‌هایی روی می‌آورد که بازده فوری اقتصادی یا سیاسی دارند. این روند، نه فقط منابع را هدر می‌دهد، بلکه مسیر اصلاحات پایدار را مسدود می‌کند.



**بهرروز اشراف‌سنانی**
**مدیر روابط عمومی شرکت کروز**



### ساختار جدید امتیاز صادراتی

بانک مرکزی با راه اندازی «بازار امتیاز صادراتی» در مرکز مبادله ارز و طلا، سازوکاری نوین برای پیوند سیاست های ارزی و تجاری ایجاد کرده است؛ مدلی که با تعیین ضرایب اختصاصی برای صادرات و واردات، هم مشوق عرضه ارز رسمی صادرکنندگان و هم ابزاری برای مدیریت هوشمند واردات کالاهای ضروری و کنترل تقاضای ارز است.

چندی قبل بانک مرکزی اعلام کرد فرآیندهای اجرایی لازم جهت راه اندازی امکان عرضه امتیاز صادراتی در سامانه معاملات بازار ارز تجاری مرکز مبادله ارز و طلای ایران به منظور تشویق صادرکنندگان و افزایش عرضه ارز برای تأمین حداکثری منابع ارزی مورد نیاز برای واردات کالا و خدمات فراهم می شود. بر اساس دستورالعمل بانک مرکزی، امکان مبادله امتیاز صادراتی تخصیص داده شده به ازای هر دلار ارز صادراتی معامله شده در سامانه مذکور به نرخ های مورد توافق بر اساس سازوکارهای پیش بینی شده فراهم شده است. لازم به ذکر است با اجرای مصوبه هیات دولت که در تاریخ ۷ تیرماه ابلاغ شد، ابزار تازهای تحت عنوان «امتیاز صادراتی» رسماً وارد عرصه سیاست گذاری تجاری و اقتصادی شد. این ابزار ضمن تمرکز بر تشویق صادرکنندگان خرد، در بستر مدیریت واردات نیز جایگاهی ویژه یافته است. مواد ۸ و ۹ این مصوبه، چارچوب تعریف شاخص ها و ساختار سنجش ضریب تبدیل هرپرو ص صادرات با واردات به امتیاز صادراتی را تعیین کرده اند؛ سازوکاری که می تواند تحول بزرگی در بازگشت ارز و کنترل مصرف ارزی رقم بزند. پیش از بررسی جزئیات، اشاره می شود که این سیاست مقدمه ای برای طراحی بازار رسمی معاملات امتیاز صادراتی با نرخ های کشف شده است. گفتنی است، کارگروه امتیاز صادراتی متشکل از سازمان توسعه تجارت (رئیس کارگروه)، بانک مرکزی، سازمان برنامه و بودجه کشور، وزارت امور اقتصادی و دارایی و حسب موضوع با دعوت از وزارتخانه های جهاد کشاورزی، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، نفت، صنعت معدن و تجارت، تعاون، کار و رفاه اجتماعی، میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، فرهنگ و ارشاد اسلامی و معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش بنیان رئیس جمهور با حق رأی است. کارگروه به ریاست رئیس سازمان در محل سازمان برگزار و با حضور نمایندگان نام الاختیار ساریدستگاهها) در سطح معاون وزیر و مدیرکل با معرفی بالاترین مقام دستگاه به عنوان نماینده تام الاختیار تشکیل می گردد. دستور جلسات توسط رئیس کارگروه ارائه و مصوبات کارگروه توسط وی ابلاغ می شود.

همچنین باید به این نکته توجه کرد که برای کشف سازوکار جدید امتیاز صادراتی باید به مواد ۹ و ۱۰ مصوبه هیات دولت در خصوص آیین نامه اجرایی جزء (۲) بند (ن) تبصره (۱) قانون بودجه سال ۱۴۰۴ توجه کرد.

**تعیین معیارهای اختصاص امتیاز صادراتی برای پروانه های صادراتی**

ماده ۸ مصوبه دولت، صراحتاً به نسبت ۱۲ شاخص اشاره دارد که ضریب تبدیل هرپرو ص صادراتی به امتیاز صادراتی بر مبنای آن ها تعریف می شود. شاخص ها عبارت از پیچیدگی کالا (PCI)، ارزش کمی رک کالا، بهره مندی از بازارانه دولتی، میزان مصرف انرژی و آب، سطح فناوری و دانش بنیانی بودن، نوع فعالیت (حقیقی / حقوقی)، سابقه صادرکننده در صادرات، تعداد و سهم فعالان در صادرات، ارزش پروانه صادراتی، افزایش صادرات نسبت به دوره گذشته، زمان رفع تعهد ارزی صادرکننده و نوع ارز دریافتی با تحویل هستند. کارگروهی مرکب از بانک مرکزی، سازمان توسعه تجارت، سازمان برنامه و بودجه و سایر نهادهای اقتصادی موظف است تا با استفاده از این شاخص ها ضرایب تبدیل را برای هر پروانه تعیین و به تصویب برسانند. بدین ترتیب صادرکننده های که در کالاهای با پیچیدگی فناوری بالاتر و صادرات مستمر فعالیت دارد، امتیاز بیشتری به ازای هرپرو ص بازگشتی دریافت خواهد کرد.

**ماده ۹: معیارهای کنترل مصرف امتیاز در واردات**

هم زمان با این طراحی برای صادرات، ماده ۹ سازوکاری مشابه را برای واردات ترسیم کرده است. این ماده تعیین می کند هرپرو ص وارداتی معادل چند امتیاز صادراتی باید ابطال شود تا کالا وارد کشور شود. هفت شاخص اولیه برای این تبدیل تعیین شده اند که عبارت از کشتش قیمتی تقاضای واردات، اولویت کالایی /ارز، نوع و فعالیت واردکننده، نوع ارز ثبت سفارش، سابقه واردات واردکننده، تعداد و سهم فعالان در واردات و درخواست ارز هستند. این شاخص ها کمکی می کند کالاهایی با اولویت ارزی بالا (مانند دارو یا کالاهای اساسی) ضریب امتیاز کمتری یعنی نیاز به سهمیه کمتری از امتیاز صادراتی) برای واردات داشته باشند؛ در مقابل کالاهای غیرضروری، باید امتیاز بیشتری کسب کنند.

**نحوه عملکرد سیستم؛ اضافه شدن امتیاز به ازای پایه مرکز مبادله**

در این مدل، امتیاز صادراتی عملاً به عنوان نوعی «حق خرید ارز» عمل می کند. به بیان دیگر، هرپرو ص صادراتی که صادرکننده عرضه می کند، علاوه بر نرخ مرکز مبادله (که حدوداً ۷۰ هزار تومان است)، دارای امتیاز قابل معامله خواهد بود. اگر مثلاً ضریب تبدیل تعیین شده برای کالاهای با فناوری بالا، ۱.۲ باشد، صادرکننده برای هرپرو ص صادراتی، امتیاز معادل ۱.۲ پرو ص دریافت می کند. این امتیاز به صورت نرخ مبادله پایین تر در حروف قیمت ارز پایین تر برای واردکننده محسوب خواهد شد و ناگزیر عرضه ارزی رسمی و تولید کالاهای با ارزش افزوده بالا را افزایش می دهد.

**پیش بینی ها و اثرات اقتصادی**

با این زمینه سازی، چند پیش بینی مهم قابل بیان است:

اولویت بندی تجارت کالای ضروری تر: کالاهای با اولویت ارزی بالا ضریب امتیاز کمتری نیاز دارند، بنابراین روند واردات این دسته کالایی با نرخ مناسب تر ادامه خواهد یافت، این به معنای تثبیت قیمت نهایی واردات ضروری در سطحی مناسب خواهد بود. بر این اساس کالاهای دارای اولویت کمتر گران تر تمام خواهند شد و واردات آنها نیز کمتر می شود. از طرف دیگر میل به صادرات کالا با ارزش افزوده پایین تر طریق معیارهای ماده ۸ آیین نامه کمتر خواهد شد. این موضوع به کاهش خام فروشی یا صادرات کالاهایی که از بازارانه بیشتری استفاده می کنند، کمک می کند. رقابت میان واردکنندگان، رقبا مجبور می شوند امتیاز بیشتری برای واردات کالاهای غیرضروری پرداخت کنند؛ به این ترتیب کالاهایی که به ندرت اولویت دارند، قیمت نهایی بالاتری خواهند داشت و از بازار کمرنگ تر می شوند. ترغیب صادرکنندگان خرد به ارائه ارز رسمی؛ ارائه ارز در بازار رسمی به پذیرفتن امتیاز بیشتر منجر می شود. صادرکنندگانی که توان تسویه تعهد ارزی را سریع دارند، امتیازات قابل توجهی کسب خواهند کرد. کاهش فشار ارزی بر بانک مرکزی؛ با اسوق دادن واردات و مسیر امتیاز و تشویق عرضه از صادراتی، فشار بر منابع ارزی رسمی کاهش یافته و شفافیت افزایش می یابد. پویایی بازار ثانویه امتیاز صادراتی؛ ایجاد پیک بازار شفاف و رسمی برای خرید و فروش امتیاز صادراتی (در سامانه معاملات مرکز مبادله ارز) موجب کاهش شد تا مسیر کشف قیمت رقابتی و شفاف شکل بگیرد و رانت در معاملات کاهش یابد.

یکشنبه ۲۶ مرداد ۱۴۰۴

مدیر مسئول: مهدی مهرپور

چاپخانه: صمیم

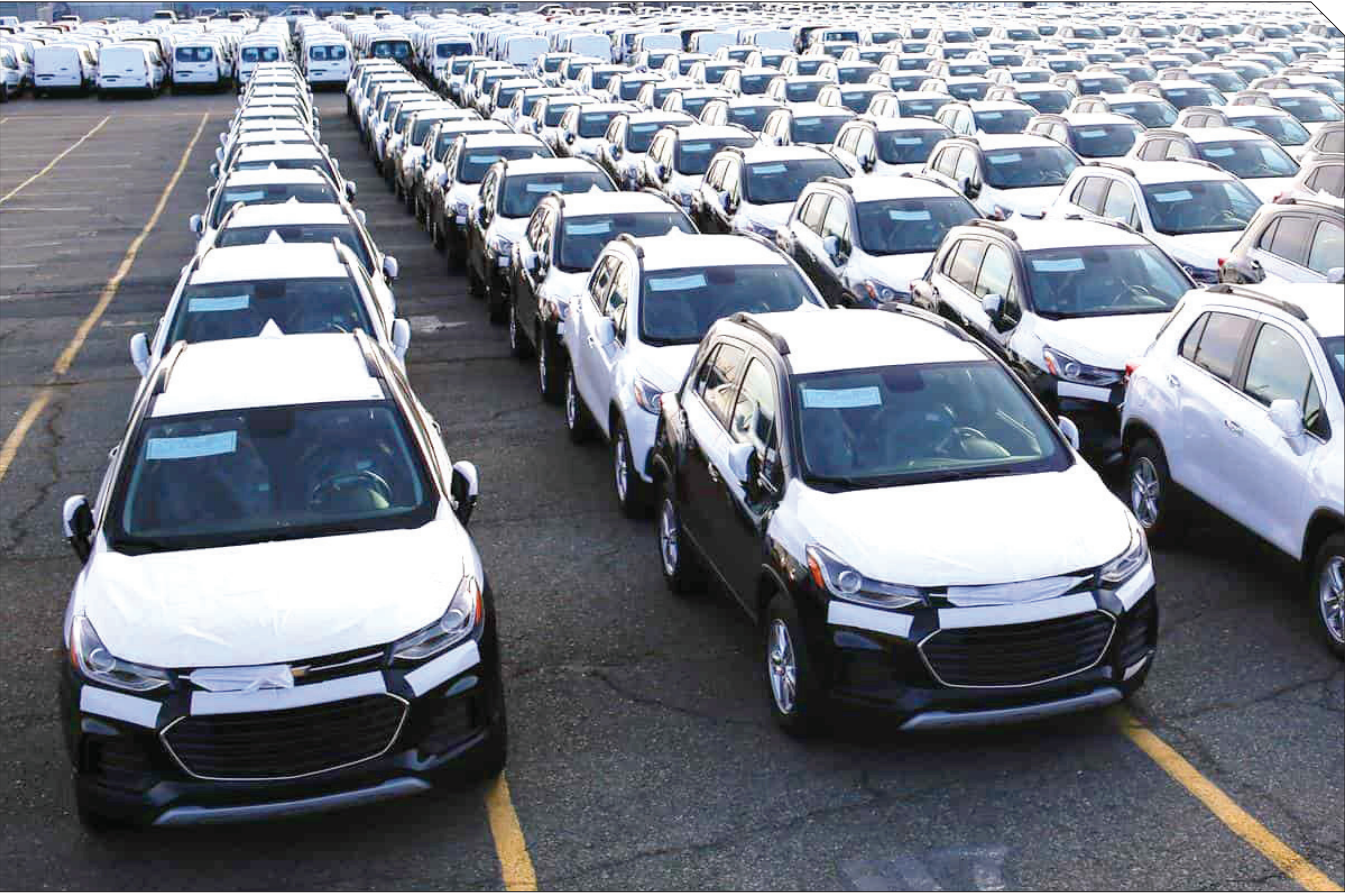
کد پستی: ۱۴۱۹۹۷۳۱۶۸

۲۳ صفر ۱۴۴۷ ■ August ۱۷ ۲۰۲۵ ■ سال اول ■ شماره ۲۵۳

چاپخانه: صمیم

کد پستی: ۱۴۱۹۹۷۳۱۶۸

آدرس: خیابان آزادی - چهارراه فرصت - پلاک ۹۸ - طبقه ۶



### رشد تعرفه واردات خودرو؛

# توقف بی قانونی و فرصتِ تدوین برنامه ارتقای صنعت

### گزارش

در پی ورود دیوان عدالت اداری و توقف اجرای آیین نامه کاهش تعرفه واردات خودرو، بار دیگر موضوع «تعرفه گذاری»، «تولید داخل» و «مصرف منابع ارزی» به صدر مباحث خودرویی بازگشته است؛ اما این بار، نگاه ها نه فقط به مصرف کنند، بلکه به سیاست گذاران ارزی و تولیدکنندگان داخلی نیز دوخته شده است.

تصمیم دیوان عدالت اداری مبنی بر توقف موقت اجرای آیین نامه کاهش تعرفه واردات خودرو و بازگرداندن نرخ تعرفه به سطح ۱۰۰ درصد، واکنش های متضادی در پی داشته است. با این حال، اقدام از یک سو دارای پشتوانه حقوقی روشن است و از سوی دیگر می تواند مقدمه ای برای بازنگری در نحوه تخصیص منابع ارزی، اصلاح رابطه بین واردات و تولید خودرو باشد.

**ایست دیوان عدالت به بی قانونی**

تصمیم دیوان عدالت اداری برای توقف اجرای آیین نامه کاهش تعرفه واردات خودرو، صرفاً یک مداخله اقتصادی نیست، بلکه باسخی

## نجات آب با اصلاح الگوی کشت

با کاهش قابل توجه سهمیه آب بخش کشاورزی از ۷۰ به ۴۰ میلیارد مترمکعب در سال جاری، اجرای طرح اصلاح الگوی کشت» به عنوان راهکاری کلیدی برای مدیریت بهینه منابع آبی کشور، اهمیت ویژه ای یافته است.

ایران در سال های اخیر با بحران جدی کم آبی مواجه بوده و بخش کشاورزی بیشترین سهم مصرف آب را به خود اختصاص داده است. در این شرایط، اصلاح الگوی کشت به عنوان راهبردی اساسی برای مدیریت منابع آب و تضمین امنیت غذایی مطرح شده است. وزارت جهاد کشاورزی با همکاری وزارت نیرو، طرح اصلاح الگوی کشت در پروژه های درخواست ارز هستند. این شاخص ها آب در بخش کشاورزی کاهش یابد. این طرح بر جایگزینی محصولات پربارتر با محصولات کم آب و بردارای ارزش افزوده بالاتر تمرکز دارد. به گفته نادرقلی ابراهیمی، عضو کمیسیون کشاورزی، آب، منابع طبیعی و محیط زیست مجلس شورای اسلامی در سال های گذشته حدود ۷۰ میلیارد مترمکعب آب به بخش کشاورزی اختصاص می یافت اما امسال براساس اعلام وزارت نیرو، این رقم به حد اقل ۴۰ میلیارد مترمکعب کاهش یافته است؛ موضوعی که کشت سبزیجات، محصولات بهاره و بخشی از کشت های پاییزه را تحت تأثیر قرار می دهد. این نماینده مجلس افزود: «بر اساس اعلام وزارت نیرو، در سال زراعی گذشته در نیمه نخست سال، ۱۲.۵ میلیارد مترمکعب و در نیمه دوم ۵۷ میلیارد مترمکعب آب به بخش کشاورزی اختصاص یافت اما اکنون رقم ۵۷ میلیارد مترمکعب به ۲۰ میلیارد مترمکعب کاهش یافته است؛ در حالی که نیاز واقعی کشاورزان بین ۳۰ تا ۴۰ میلیارد مترمکعب برآورد می شود.» با وجود کاهش سهمیه آب، تولید محصولات کشاورزی در سال جاری افزایش یافته که نشان دهنده ارتقای بهره وری است، با این حال، اجرای این طرح با چالش هایی همچون مقاومت برخی کشاورزان در تغییر الگوی کشت و نیاز به حمایت های مالی و آموزشی روبه روست.

کارشناسان معتقدند بدون اصلاح الگوی کشت، بحران آب تشدید خواهد شد و دستیابی به اهداف توسعه پایدار و

حقوقی به یک اقدام غیرقانونی تلقی می شود. طریق قانون، نرخ تعرفه واردات خودرو ۱۰۰درصد تعیین شده و این عدد جنبه قانونی دارد اما آیین نامه ای که اخیراً توسط هیات دولت برای کاهش این تعرفه به ۴۰ تا ۲۰ درصد تصویب شده بود، بدون پشتوانه قانونی لازم ابلاغ شد؛ یکی از شهروندان با استناد به این مغایرت قانونی، شکایتی راه به دیوان ارائه داد و دیوان عدالت اداری نیز در بررسی اولیه به درستی این ادعای داد و اجرای مصوبه را به صورت موقت متوقف کرد. از این منظر، تصمیم دیوان نه فقط اقدامی اقتصادی بلکه ایست به بی قانونی در فرآیند تصمیم سازی دولت به شمار می رود.

**چرا تعلیق کاهش تعرفه واردات خودرو قابل دفاع است؟**

تعلیق اجرای آیین نامه کاهش تعرفه واردات در کنار جنبه های حقوقی از منظر اقتصادی نیز قابل دفاع است. نخست آن که هرگونه تصمیم درباره واردات باید با در نظر گرفتن شرایط ارزی کشور انجام شود؛ در حالی که اجرای این مصوبه می توانست فشار مضافی به ذخایر ارزی وارد کند. از سوی دیگر خودروهای هدف این مصوبه، عمدتاً در رده قیمتی بالا قرار دارند و تأثیر مستقیمی بر تأمین نیاز عمومی مردم ندارند.

تجربه های گذشته نشان داده اند که کاهش ناگهانی تعرفه ها بدون

نظارت و بستر مناسب، نه فقط به کاهش قیمت خودرو منجر نمی شود، بلکه موجب رشد واسطه گری و دلالی و شکل گیری رانت های جدید در فرآیند ثبت سفارش و تخصیص ارز می شود. سوم آنکه در شرایطی که تولید داخل همچنان به حمایت های دولتی وابسته است و کیفیت و تنوع محصولات داخلی رضایت بخش نیست، کاهش یکباره تعرفه واردات بدون الزام تولیدکننده داخلی به رقابت پذیری فقط باعث تضعیف صنایع نیم بند و وابسته می شود؛ بدون آن که جایگزین مناسبی برای آن وجود داشته باشد.

**بحران ارزی؛ اولویت با نیاز یا تقاضا؟**

مسئله اصلی فراتر از واردات خودرو است. در واقع، آنچه امروز محل اختلاف قرار گرفته، نحوه تخصیص منابع ارزی است؛ منابعی که با هزینه های قابل توجه به دست می آیند و در شرایط نادرم تحریم و محدودیت درآمد های ارزی، باید با

دقت بیشتری مصرف شوند.

به گفته یکی از کارشناسان ارشد حوزه ارزی، «از نیمایی باید به واردات کالاهای ضروری و واسطه های اختصاص یابد، نه کالاهای مصرفی و لوکس که مخاطب آن ها گروه خاصی از جامعه هستند». به گفته وی «واردات خودروهایی که عمدتاً در رده نیمه لوکس یا خاص قرار دارند، نه فقط به حل مشکلات بازار کمک نمی کند، بلکه به انباشت تقاضا و رشد رانت منجر خواهد شد.»

**رقابت بدون زیرساخت؛ تجربه گذشته چه می گوید**

آیین نامه دولت برای کاهش تعرفه واردات به ۲۰ و ۴۰ درصد، با اهدافی چون افزایش رقابت، کاهش قیمت و تنظیم بازار تدوین شده بود؛ اما تجربه های قبلی و ساختار موجود بازار خودرو نشان می دهد اجرای چنین سیاست هایی بدون مدیریت هم زمان عرضه، تولید داخلی و بازار ارز، نتیجه معکوس به دنبال دارد. در نمونه ای مشابه، در سال ۱۳۹۶ نیز پس از آزادسازی واردات خودرو در مقطع کوتاه، بازار به سرعت با نوسان قیمت و شکل گیری رانت های جدید مواجه شد. بدون بستر مناسب، رقابت فقط در ظاهر شکل می گیرد و سود اصلی به جای مصرف کنندگان واقعی، نصیب واسطه ها می شود.

**حمایت تعرفه ای، ابزار موقت یا وابستگی دائم؟**

در حال حاضر، شرکت های خودرو ساز داخلی و مونتاژکاران همچنان از حمایت های مستقیم و غیرمستقیم دولتی برخوردارند. بازگشت تعرفه به سطح ۱۰۰ درصد اگر صرفاً برای حفظ این وضعیت باشد، کمکی به بهبود نمی کند؛ اما اگر با الزام به اصلاح ساختاری، ارتقای کیفیت و متنوع سازی محصولات همراه شود، می تواند به مسیری سازنده تبدیل شود.

مطالعه تطبیقی نیز نشان می دهد کشورهایی مانند کره جنوبی فقط در دوره ای کوتاه از حمایت تعرفه ای استفاده کردند و آن را مشروط به انتقال فناوری، افزایش کیفیت و صادرات کردند؛ «سیاست تعرفه ای بدون برنامه ارتقاء، تبدیل به چوب زیربغل یک صنعت ناکارآمد می شود». این جمله از گزارش سال ۲۰۲۲ بانک توسعه آسیایی درباره صنایع نوظا، مصادقی روشن از شرایط ایران است.

**مسیر جدید؛ اصلاح هم زمان واردات، تولید و ارزیابی**

اکنون که اجرای مصوبه کاهش تعرفه متوقف شده، دولت فرصت دارد به جای نگاه مقطعی، یک سیاست جامع و واقع بینانه در پیش گیرد؛ سیاستی که هم منافع تولید داخلی را تأمین کند و هم منابع ارزی کشور را به درستی هدایت نماید. در این چارچوب، بازنگری در سیاست واردات خودرو باید با رویکردی یکپارچه انجام شود که در آن، تخصیص منابع ارزی بر مبنای اولویت های واقعی کشور، به ویژه نیازهای عمومی و صنعتی، سامان یابد.

هم زمان، خودروسازان داخلی باید متعهد به ارتقا کیفیت محصولات، حذف مدل های تاریخ مصرف گذشته و افزایش تنوع و رقابت پذیری شوند. در کنار این موارد، مقابله با رانت های وارداتی و شفاف سازی کامل در فرآیند تخصیص ارز، به ویژه در حوزه کالاهای مصرفی، ضروری است تا منافع ارزی محدود کشور در مسیر منافع عمومی هدایت شود، نه در خدمت گروه های خاص و فرصت طلب.

### تصمیم دیوان عدالت اداری مبنی بر توقف موقت اجرای آیین نامه کاهش تعرفه واردات خودرو و بازگرداندن نرخ تعرفه به سطح ۱۰۰ درصد، واکنش های متضادی در پی داشته است

## دسترسی ایران به آب شرب سالم بالاتر از میانگین جهانی

تغییرات اقلیمی، کاهش بارندگی و رشد جمعیت، منابع آبی را در بسیاری از کشورها تحت فشار قرار داده است. با این حال ۹۹.۹ درصد شهرها و ۸۷ درصد مناطق روستایی ایران به آب شرب سالم دسترسی دارند که بالاتر از میانگین جهانی است. بحران کم آبی تنها به ایران محدود نمی شود و کشورهای مختلف، حتی در اروپا و آمریکا، با مشکلات مشابهی روبه رو هستند. با این حال، در خاورمیانه به دلیل اقلیم خشک و کم بارش، شرایط دشوارتر است.

با وجود محدودیت های اقلیمی، گزارش بانک جهانی نشان می دهد ایران در دسترسی به آب شرب سالم عملکردی بالاتر از میانگین جهانی داشته است.

بر اساس این گزارش ۹۹.۹ درصد جمعیت شهری ایران به آب شرب سالم دسترسی دارند؛ در حالی که میانگین جهانی این شاخص ۸۷ درصد است.

در مناطق روستایی نیز ۸۷ درصد جمعیت کشور از آب شرب سالم بهره مند هستند، رقمی که در میانگین جهانی تنها ۶۲ درصد است. این جایگاه در حالی به دست آمده که در بسیاری از کشورهای منطقه، دسترسی به آب سالم بسیار پایین تر است. به عنوان نمونه، در افغانستان این شاخص در مناطق روستایی کمتر از ۳۰ درصد است و در عراق نیز بسیاری از مناطق با کمبود یا لودگی آب مواجه اند و اساساً در این کشور دسترسی به آب شرب لوله کشی شده توسعه چندانی نیافته است.

**سرمایه گذاری گسترده در زیرساخت های آب**

کارشناسان موفقیت ایران در این خصوص را حاصل توسعه شبکه های انتقال آب، ساخت تصفیه خانه ها و اجرای پروژه های متعدد آب رسانی روستایی می دانند. با توجه به خشکسالی های اخیر راهبرد کلان وزارت نیرو در این حوزه، توسعه آب شیرین کن ها به عنوان ابزار مقابله با کم آبی و تأمین پایدار آب شرب در مناطق ساحلی و کم بارش است. وزارت نیرو طی سال های اخیر اقدام های متعددی برای ارتقای کمیت و کیفیت آب رسانی انجام داده است که از جمله آنها می توان به بهره برداری از ۵۵۱ هزار و ۸۲۳ مترمکعب در شبانه روز ظرفیت آب شیرین کن از محل خرید تضمینی در استان های مختلف کشور اشاره کرد. بزرگ ترین تأسیسات فعال در این بخش، آب شیرین کن بندرعباس است که با ظرفیت ۱۰۰ هزار مترمکعب در شبانه روز از سال ۱۳۸۷ فعال است. همچنین بیشترین سهم این سازه ها در استان های هرمزگان، بوشهر و سیستان و بلوچستان قرار دارد. گواه اینکه بزرگترین آب شیرین کن فراساحلی خاورمیانه با ظرفیت ۱۰۰ هزار مترمکعب در شبانه روز در سیستان و بلوچستان افتتاح شد، پروژه ای که با هدف تأمین پایدار آب آشامیدنی برای مردم منطقه و بخشی از طرح جامع تأمین آب زاهدان و سیستان اجرا شده است. همچنین با کاهش غیرضروری که پیش از این به واسطه پارداخت می شد، از چرخه معاملات حذف و نفع مردم حفظ شده است.



داشت؛ «برای تدوین الگوی کشت، صرفه جویی ۱۰ درصدی آب را هدف گذاری کرده ایم؛ به این معنا که اگر مصرف آب زراعی در سال های گذشته ۵۰ میلیارد مترمکعب بوده، در الگوی کشت ابلاغی این رقم با کاهش ۱۰ درصدی، ۴۵ میلیارد مترمکعب در نظر گرفته شده است.» وی افزود: «اجرای الگوی کشت نیازمند همکاری همه دستگاه ها است. ممکن است کشت محصولی برای کشاورزان سودآور باشد و آنها حاضر باشند برای آن چند برابر قیمت آب، کود و سم با نرخ آزاد بپردازند. در چنین مواردی، قانون گذار اختیار برخورد با تخلف را به وزارت جهاد کشاورزی نداده است. برای مثال، در حوزه ظرفیت نه برخی آقات گیاهی، قانون ممنوعیت کشت بعضی محصولات وجود دارد و در صورت تخلف، زمین شخم زده می شود اما در حوزه الگوی کشت چنین اختیاری وجود ندارد.»

در مجموع، اصلاح الگوی کشت نه فقط یک ضرورت زیست محیطی، بلکه فرصتی برای افزایش بهره وری و درآمد کشاورزان است که می تواند مسیر توسعه پایدار کشاورزی ایران را هموار کند.

## سامانه خودنویس ۱۰ هزار میلیارد تومان به نفع مردم کارکرد

صرفه جویی چند هزار میلیارد تومانی برای مردم در مدت کوتاهی پس از راه اندازی شده است. وی در ادامه افزود: بر اساس آمارهای رسمی، از زمان آغاز به کار سامانه خودنویس، بیش از ۱۰ هزار میلیارد تومان هزینه حق کمیسیون، دولتی و دیگر مبالغ غیرضروری که پیش از این به واسطه پارداخت می شد، از چرخه معاملات حذف و نفع مردم حفظ شده است.



Charsogh newspaper.com